

بررسی اوصاف متقین در قرآن کریم^۱

باقر حسین اعظمی^۲

چکیده

یکی از راه های رستگاری همان نگهداری خویشتن خویش از زشتی ها و بدی هاست که در قرآن و روایات «تقوی» معرفی شده است، پس کسانی که می خواهند به رستگاری رسیده و زندگی پاک داشته باشند و خداوند از آنها راضی باشد و از نعمت های دنیوی و اخروی بی بهره نباشند، باید خود را از بدی ها حفظ کنند و کارهای خوب و شایسته انجام دهند تا هم خود و جامعه پاکیزه بماند. این گروه که چنین تلاش می کنند، متقین نامیده می شوند و قرآن کریم برای اهل تقوی و ویژگی هایی را بیان می کند که این مقاله به بیان و بررسی این اوصاف میپردازد.

واژگان کلیدی: تقوی، متقین، اخلاق، قرآن کریم، انفاق، عفو و گذشت.

۱ تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۲/۲۷ _ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۵/۱۵

۲ دانش پژوه دوره کارشناسی فقه و معارف اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، مشهد مقدس

بخش اول: کلیات و مفاهیم

متقی در لغت: متقی از ماده وقایه به معنای نگهداری است. (راغب، ۱۳۸۷ش: ۸۱)

در اصطلاح: کسانی که نفس و جان خود را از آنچه که بیمناک هستند، نگهداری می کنند. (مکارم، ۱۳۸۴ش، ج ۱: ۷۹)

به عبارت دیگر: «متقین یعنی کسانی که اسلام را در تمام ابعادش پذیرا گشته اند».

مراتب تقوا:

تقوا دارای مراتب بسیاری است که بعضی از آن ها بعد از اسلام آوردن و قبل از ایمان است و بعضی دیگر از مراحل آن، پس از ایمان، تا آخرین مراتب توحید است.

اولین مرتبه تقوا: گریز از هواهای نفسانی. (این مقام استغفار است)
دومین مرتبه تقوا: انصراف از خواسته های نفس و تلاش برای رهایی از آن.
سومین مرتبه تقوا: پناه بردن به اولیاء الهی. (این مقام انابه است)
و این سه مقام از مقامات تقوا، قبل از اسلام است که مصداق آیه کریمه:
«يَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا» (هود/ ۵۲) می باشد.

وقتی انسان این سه مرتبه از تقوا را پشت سر بگذارد و مسلمان شود، به مرتبه دیگری از تقوا دست پیدا خواهد کرد و آن پذیرش دستورات پیامبر اکرم ﷺ و پایبند بودن به آن است.

تقسیم بندی دیگری: طبقه بندی دیگری نیز برای مراتب و مراحل تقوا شمرده شده است که عبارتند از:

۱- تقوای اعتقادی: یعنی نگهداری خود از عذاب الهی، باکسب معارف و اعتقادات صحیح.

۲- تقوا در برابر گناه: اعم از ترک واجبات و یا انجام دادن کارهای حرام.

۳- تقوای قلبی: یعنی خویشتن داری از آنچه که قلب انسان را به خود مشغول می سازد و از حق منصرف می کند. (رضایی، ۱۳۸۹ش: ۱۱۱)

نتایج تقوا

همان خود نگهداری از بدی ها و خود شناسی است که اگر انسان خود را شناسد و از سرمایه جان و جود خود بی خبر باشد و نداند که خدای بزرگ چه نعمت های ارزشمندی در اختیار او قرار داده است، ارزشی برای خود قائل

نمی شود و به انواع زشتی ها آلوده خواهد شد. (نهج البلاغه، خطبه: ۲۳۰)

لذا امام علی علیه السلام در نهج البلاغه، خطبه ۱۵۷، این چنین می فرماید: «اعلموا انَّ التَّقْوَى دارِ حِصْنٍ عَزِيزٍ؛ یعنی ای بندگان خدا بدانید تقوا دژی است که مستحکم و غیر قابل نفوذ» و نیز در خطبه ۲۳۰ فرموده اند: «فَإِنَّ التَّقْوَى اللّهُ مِفْتَاحُ سَدَادٍ وَخَيْرُهُ مَعَادٍ وَعَتَقَ مِنْ كُلِّ مَلَكَةٍ وَنَجَاةٌ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ همانا تقوا و پرهیزکاری، کلید هر در بسته و ذخیره نیکوی روز قیامت است و عامل آزادی از انواع بردگی و نجات از هر گونه هلاکت و نابودی می باشد». (دستی، ۱۳۷۷ش، ج ۱۸: ۳۶۰)

پس امام علی علیه السلام یکی از راه های پاکی و پاکسازی جامعه اسلامی را تقوا معرفی می کنند که با پرهیزکاری می توان سالم زندگی کرد و جامعه را بسوی پاکی و سلامت برد. لذا فرموده اند: «فَإِنَّ التَّقْوَى فِي الْيَوْمِ الْحَرِّ وَالْحِجَّةِ وَفِي غَدِ الطَّرِيقِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ یعنی همانا پرهیزکاری امروز عامل حفظ و نگهداری انسان، در روز قیامت، راه رسیدن به بهشت است». (نهج البلاغه، خطبه: ۱۹۱)

متقین چه کسانی هستند؟

از دیدگاه قرآن کریم، پرهیزکار و نیکوکار، کسی است که مؤمن، معتقد، وفادار، کریم و شکیبا باشد. لذا خداوند متعال در سوره بقره می فرماید:

«الْبَاسُ الْبُرْءَانَ تَوَلَّوْا وَجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبُرْءَانَ مِنَ اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَى وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بَعَثَهُمْ إِذَا عَاهَدُوا وَ الصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ؛ نیکی، (تنها) این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق و (یا) مغرب کنید (و تمام گفتگوی شما، در باره قبله و تغییر آن باشد و همه وقت خود را مصروف آن سازید) بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز رستاخیز و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران، ایمان آورده و مال (خود) را با همه علاقه ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان، انفاق می کند. نماز را برپا می دارد و زکات را می پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود (به هنگامی که عهد بستند) وفا می کنند و در برابر محرومیت ها و بیماریها و در میدان جنگ، استقامت به خرج می دهند؛ این ها کسانی هستند که راست می گویند و (گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است) و این ها هستند پرهیزکاران». (بقره/ ۱۷۷)

اما جالب این است که خداوند متعال از میان ویژگیهای که ذکر نموده، در انفاق بیشتر توجه کرده است و از میان کسانی که، انسان مالش را به آن ها انفاق کند عبارتند از:

۱- **ذوالقربی:** یعنی خویشاوند صاحب مال، چرا که آن ها به انفاق و صله رحم، از دیگران مستحق ترند. لذا خداوند متعال می فرماید: «وَلَا قَاتِلِ أَوْلِيَا الْفُضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أَوْلِيَ الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْيَتَامَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْيَتَامَىٰ الْأَتْمَانُونَ أَنْ يُغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» یعنی توانگران و آنان که گشایشی در کار آن ها است نباید قسم بخورند که به خویشاوندان و مسکینان و مهاجران در راه خدا چیزی ندهند، باید ببخشند و عفو کنند آیا نمی خواهید خدا شما را بیامرزد». (نور / ۲۳-۲۴)

۲- **مساکین:** یعنی نیازمندی که دست نیاز خود را به سوی مردم دراز می کنند.

۳- **یتیمان:** یعنی یتیمانی که نه مال و ثروت دارند و نه سرپرستی که مصارف آن ها را بر عهده بگیرند. بنابراین، بر توانگران واجب است که تأمین مصارف و نیازهای آن ها را بر عهده بگیرند. البته در صورتی که بیت المالی برای مسلمین وجود نداشته باشد.

۴- **ابن سبیل:** یعنی کسی که برای ادامه سفر خود، نیاز مالی پیدا کرده است و بدون مساعدت دیگران، توان بازگشت به وطن خود را نداشته باشد.

۵- **گدایان:** کسی که دست ذلت به سوی مردم درازی کند. به نظر می رسد که این گونه گدایی شرعاً حرام است. مگر اینکه واقعاً محتاج و ناچار باشد، مثل کسی که به خوردن مردار مجبور باشد.

۶- **آزادی بندگان:** یعنی بندگان را بخرند و آنان را آزاد کنند. البته این گروه در عصر حاضر پس از اینکه بردگی از بین رفت، وجود ندارد. (مغنیه، ج ۱، : ۴۸۴ و ۴۸۵)

اما شایان ذکر است که خداوند، این گروه های شش گانه را به عنوان نمونه بیان کرده است. نه از باب حصر، چرا که مواردی زیادی وجود، مبنی بر اینکه انسان مال خود را ببخشد، مثل تاسیس مدرسه، ساختن مسکن برای یتیمان و...

پس خداوند متعال در آیه ی مذکور، نشانی و علامت پرهیز کاران را ذکر نموده است و کسانی که به آن عمل می کنند؛ آن ها متقی و پرهیزکار واقعی هستند.

بخش دوم: اخلاق متقین

رفتار متقین با دیگران

گاهی انسان در برابر بدی های دیگران مقابله به مثل می کند که نوعی انتقام جوئی است ولی گاهی مقابله به ضد می کند، که این روش اولیاء الهی و پرهیزکاران است که از ظلم ظالمان می گذرند. در حالی که قدرت انتقام جوئی دارند، و این نوعی شجاعت است. زیرا از موضوع قدرت انجام می شود و تسلیم شدن در برابر ظلم نیست و در برابر کسانی که آن ها را محروم می کنند؛ عکس العملشان، بخشش آن هاست که این دلیل بر سخاوت آنان است. (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش، ج ۷، ۵۸۳)

لذا اوصاف متقین را امام علی علیه السلام در «خطبه حمام» این گونه بیان فرموده اند: «يَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمَهُ وَيُعْطِي مَنْ حَرَمَهُ وَيَصِلُ مَنْ قَطَعَهُ بَعِيداً فُحْشَهُ لِيُنْأَقَوْلَ: متقی کسی است که عفو می کند به کسی که بر او ظلم کرده است، عطا و بخشش می کند به کسی که او را محروم ساخته است، صلہ رحم می کند با کسی که از او دوری می کند. متقی کسی است که هیچ وقت به کسی ناسزا و سخن زشت نمی گوید و همیشه با نرمی سخن می گوید. (نهج البلاغه، خطبه/۱۹۳)

۱- عفو و گذشت

درست است که اسلام، مراجعه به محاکم قضایی را جهت احقاق حق و رفع ظلم قرار داده است، لیکن از آن جای که زندگی تنها همین چند روز دنیا نیست، بلکه جهان دیگری نیز داریم که در آن جا حقیقت ها آشکار می شود. به تعبیر قرآن کریم می فرماید: «الحاقه مالحاقه» هر کس ثمره اعمال خود را در آن جا خواهد دید، البته، اجرای عدالت تا حدودی از ظلم و ستم در جامعه جلو گیری می کند. اما در بسیاری از موارد، عفو و گذشت چه بسا ریشه تجاوز را از بین ببرد و ظالم را برای همیشه از کرده خود پشیمان کند، از این رو اسلام به عفو و گذشت تاکید کرده است و آن را بهتر از مراجعه به حاکم قضایی می شمارد و خداوند متعال نیز در قرآن کریم در باره عفو و گذشت اینگونه می فرماید:

۱- «وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبَ لِلتَّقْوَى؛ و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است»

(بقره/ ۲۳۷)

«وَالْيَعْفُوا وَالْيَصْفَحُوا أَلَا تَجِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؛ آن ها باید عفو کنند و چشم

پوشند؛ آیا دوست نمی دارید خداوند شما را ببخشد؟! (نور/ ۲۲)

« فَأَعْفُ عَنْهُمْ وَاصْفَحْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ؛ از آن ها درگذر و صرف نظر کن، که خداوند نیکوکاران را دوست می دارد» (مائده/ ۱۳)

« فَمَنْ عَفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ؛ آن جا که دستور قصاص می دهد، اضافه می کند؛ اگر به جای آن، گذشت کنند در گرفتن خون بها نیز مراعات لازم را بنمایند» (بقره/ ۱۷۸)

« اذْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ؛ خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: بدی را به بهترین راه و روش دفع کن، به عبارت دیگر پاسخ بدی را به نیکی بدهید. (مؤمنون/ ۹۶)

پس از آیات مذکور معلوم می شود که عفو و گذشت از نگاه اسلام و قرآن، از انتقام جوئی بهتر و سزاوارتر است و نشان پرهیزکاری و تقوا است.

۲- صله رحم

صله رحم این است، انسانی که دارای مال و جاه و دیگر شرایط مناسب است، اقوامش را که در فقر و سائر مشکلات، به سر می برند؛ به آنان رسیدگی کند. اگر فقیر اند، به آن ها کمک مالی کند، اگر مورد اذیت دیگران هستند، حمایتشان کند و اگر مریض اند، عیادتش کند. (لاهیجی، ۱۳۸۸ش: ۶۴۲ و ۶۴۳).

قطع رحم این است که انسان، اقوامش را با قول و فعل، ناراحت و اذیت کند، یا نیاز شدیدی به مسکن، لباس و خوراک داشته باشد و او بتواند آن ها را تأمین نماید، ولی نکند. همه این موارد، از مصادیق قطع رحم است. (همان) زیرا حفظ استحکام خانواده و جامعه ضروری تر است، از این رو اسلام در حفظ آن تأکید اکید کرده است و از قطع رحم منع نموده است. اینک به چند آیه از قرآن کریم که به موضوع صله رحم اشاره دارد، پرداخته می شود:

۱- « وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ؛ و خدا را پرستید و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید؛ همچنین به خویشاوندان و یتیمان نیکی کنید» (نساء/ ۳۶).

۲- « وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا؛ و از خدایی بپرهیزید که (همگی به عظمت او معترفید و) هنگامی که چیزی از یکدیگر می خواهید، نام او را می برید! (و نیز) (از قطع رابطه با) خویشاوندان خود، بپرهیز کنید! زیرا خداوند، مراقب شماست» (نساء/ ۱).

۳- « وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ؛ و (به یاد آورید) زمانی را که از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم

که جز خداوند یگانه را پرستش نکنید و به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و بینویان نیکی کنید» (بقره / ۸۳).

۴- «الَّذِينَ يَقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده، برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می کنند، این ها زیانکارانند» (بقره / ۲۷).

بعد از ذکر آیات مذکور، سؤالی که پیش می آید، این است که آیا صله رحم واجب است یا خیر؟

پاسخ: صله رحم مراحل مختلفی دارد، مثلاً گاهی اقوام انسان، فقیر اند و گاهی مورد اذیت دشمن قرار دارند و گاهی مریض و نیاز روحی به عیادت دارند، در این گونه موارد، مقداری کمکی مالی و حمایت معنوی که آنان را از سختی و مشکلات نجات دهد، واجب است و بیشتر از آن مستحب است..

۳- ترک فحاشی و بد زبانی

راغب اصفهانی، فحش را این گونه معنا می کند: «افحش، الفحشا، الفاحشه؛ به اعمال و اقوالی که قبح آن زیاد است، گفته می شود» (راغب، ۱۳۸۷: ۶۲۶) کلمه «فحش» اگر چه در قرآن بطور روشن، در بدگویی استعمال نشده، ولی معنای عام آن چنانکه گفته شد، همان بدی زیاد است. (خواه فعل باشد یا قول) این معنا شامل بدزبانی نیز می شود، از این رو، برخی از آیات قرآن، به طور عام شامل گفتار بد خواهد بود. این آیات، عبارتند از:

۱- «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ نماز (انسان را) از زشتی ها و گناه باز می دارد» (عنکبوت / ۴۵).

۲- «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ؛

خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند» (نحل / ۹۰).

۳- «وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ؛ کسانی که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند، به یاد خدای افتند و برای گناهان خود طلب آمرزش می کنند» (آل عمران / ۱۳۵)

۴- «وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ؛ هر کس پیرو شیطان شود (او گمراهش می سازد، زیرا) او به فحشا و منکر فرمان می دهد» (نور /

۵- «إِنَّ الَّذِينَ يَجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ
الْآخِرَةِ؛ کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم با ایمان شیوع یابد،
عذاب دردناکی برای آنان در دنیا و آخرت است» (نور/ ۱۹).

آیات فوق، اشاره به این دارند که زشتی‌ها و فحشا، انسان‌ها را از نماز
و کارهای خیر دور می‌کند و انسان به خاطر انجام دادن زشتی، خود را مطیع
شیطان قرار می‌دهد و خداوند کسانی که فحشا و زشتی را شیوع می‌دهند؛
به عذاب دردناک مبتلا می‌کند. پس کسانی که بخواهند بنده مؤمن و صالح
خداوند باشند و مورد عذاب الهی قرار نگیرند، از همه زشتی‌ها (چه قولی
یا فعلی) پرهیزند، تا مورد عنایت خداوند متعال قرار گیرند و خدا به خاطر
اعمال نیک، آن‌ها را بنده نیک، صالح و متقی قرار دهد. (ر.ک: لاهیچی، ۱۳۸۸:
۶۵۱)

۴- نرم گویی

یکی از صفات متقین و پرهیز کاران، نرم سخن گفتن است. یعنی با ملایمت
و نرمی سخن می‌گویند. زیرا زبان و سخن نرم، اثرش در مخاطب بیشتر
است و او را وادار به عکس‌العمل منفی نمی‌کند. لذا خداوند متعال نیز در
قرآن کریم به این امر حکم فرموده است و آیاتی که به این موضوع اشاره
دارند، عبارتند از:

۱- «أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَّعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ یعنی به سوی
فرعون بروید که طغیان کرده است. اما به نرمی با او سخن بگویید، شاید
متذکر شود یا (از خدا) بترسد» (طه/ ۴۳ و ۴۴).

۲- «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ؛ به
(برکت) رحمت الهی، در برابر آنان [مردم] نرم (و مهربان) شدی و اگر خشن
و سنگدل بودی، از اطراف تو، پراکنده می‌شدند» (آل عمران/ ۱۵۹).

۳- «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا؛ و با مردم نیکو سخن بگویید» (بقره/ ۸۳)

این آیات، مردم را به نرم گویی و به نیکی سخن گفتن دعوت می‌کند.
حتی به پیامبران الهی نیز به این شیوه سخن گفتن تاکید شده است. پس اگر
انسان بخواهد، کلامش به دیگران اثر داشته باشد و مردم سخن او را بپذیرند،
باید به نرمی و ملایمت با دیگران تکلم کند.

بخش سوّم: اوصاف متقین

خداوند متعال در قرآن کریم، در جاهای مختلف، صفات و ویژگیهای متقین را ذکر نموده است، که آن‌ها را به صورت ذیل، دسته بندی و بیان می‌کنم:

الف- صفات متقین از نظر ایمان و عمل

ب- صفات متقین از نظر اخلاق و عمل

الف- صفات متقین از نظر ایمان و عمل

خداوند در ابتدا سوره بقره، و ویژگیهای متقین را ذکر نموده است که این ویژگی و صفات، از نظر ایمان و عمل متقین بیان شده است. این صفات را قرآن مجید در پنج عنوان مطرح می‌کند.

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ أُولَئِكَ عَلَى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ؛ پرهیزکاران کسانی هستند که به غیب (آنچه از حس پوشیده و پنهان است) ایمان می‌آورند و نماز را برپا می‌دارند و از تمام نعمت‌ها و مواهبی که به آنان روزی داده‌ایم، انفاق می‌کنند و آنان که به آنچه بر تو نازل شده، و آنچه پیش از تو (بر پیامبران پیشین) نازل گردیده، ایمان می‌آورند و به رستخیز یقین دارند. آنان بر طریق هدایت پروردگارشانند و آنان رستگارانند» (بقره/۳-۵).

۱- ایمان به غیب

غیب موجوداتی هستند که نمی‌توان آن‌ها را با حس و تجربه شناخت و یا با نیرو عقل. برخی از مصادیق غیب عبارتند از: لوح محفوظ، فرشتگان، ابلیس، حساب قبر، بهشت، دوزخ و امثال این‌ها. یعنی چیزهای هستند که پیامبر (صلی الله علیه وآله) در مورد آن‌ها خبر داده‌اند. اما عقل نمی‌تواند آن‌ها را به طور مستقل درک کند و ما هم آن‌ها را با چشم ندیده‌ایم. تمام این موارد از مصادیق غیب‌اند.

براین اساس، غیب عبارت از چیزی که شناخت آن امکان پذیر نباشد، مگر از طریق وحی آسمانی یا از زبان کسی که نبوتش ثابت شده است و عقل سخن او را تصدیق کند. به این ترتیب معلوم می‌شود که ایمان به غیب، جزئی از اسلام است و کسی که به غیب ایمان ندارد، نه تنها متقی نیست،

بلکه بهره‌ای از اسلام ندارد. (مغنیه، ۱۳۸۳ش، ج ۱: ۱۳۲)

۲- اقامه نماز

اسلام برای مؤمنین، برنامه ویژه ای تنظیم نموده که (همان اقامه نماز است) انسان با آن روزی پنج بار ایمانش را به آفریننده آسمان ها و زمین و نیز اخلاص خود را در تمام کارهایش آشکار می سازد. هر کس نماز را ترک کند؛ در حالی که منکر آن باشد، مرتد است. یعنی از اسلام برگشته و اگر نماز را به سبب اهمیت ندادن به آن ترک کند، فاسق و مستحق مجازات است.

لذا امیر المومنین علیه السلام در مورد اهمیت نماز، چنین فرموده اند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نماز را «حَمَه» یعنی به چشمه آب تشبیه کرد که بر در خانه شخص باشد و او در شبانه روز، پنج بار خود را در آن چشمه بشوید. در این صورت هیچ چرکی بر بدن وی باقی نمی ماند. به این معنا که مواظبت بر نماز، دل را از آلودگی و فسق پاک می کند، چنانکه شستشو دادن، جسم را از آلودگی ها پاک می کند. پس معلوم شد که اقامه نماز انسا را از آلودگی روحی و جسمی پاک می کند و مقرب درگاه الهی می گرداند. (مغنیه، ۱۳۸۳ ش، ج ۱: ۱۳۵)

۳- انفاق در راه خداوند

واژه انفاق در اینجا به معنای تمام آنچه را که انسان در راه خیر می بخشد، در بر می گیرد، خواه زکات باشد یا چیزهای دیگر. تردیدی نیست که بخشش در راه خیر، امر پسندیده است، ولی سؤال این است که آیا غیر از زکات و خمس چیز دیگری هم (به عنوان انفاق) در اموال واجب است یا خیر؟

در اهل سنت از «ترمذی» و در شیعه از «کلینی» نقل شده است که در اموال حق دیگری نیز تعلق می گیرد. امام صادق علیه السلام این حق را چنین تفسیر کرده اند: «حق یاد شده چیزی است که شخص آن را به اندازه ای که مالک است، کم یا زیاد، از مال خود (به دیگران) بپردازد».

برای اثبات این موضوع با آیه قرآن استدلال می کنند «وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ؛ و در اموال آن ها حَقِّی برای سائل و محروم بود» (ذاریات / ۱۹) و نیز به آیه «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ؛ و آن ها که در اموالشان حق معلومی (برای گداهان و محرومان) است» (معارج / ۲۴).

بیشتر علما، این آیات را بر استحباب حمل کرده اند، نه بر وجوب، مگر شیخ که می گویند: «در اموال حق واجب است، غیر از زکات و خمس». در هر حال، آنچه که در آن تردید نیست، این است که بخشش مال در راه خیر، آلودگی ها را پاک می کند و افراد را از عذاب آتش جهنم رهایی می بخشد. (مغنیه، ۱۳۸۳ ش، ج ۱: ۱۳۶)

۴- ایمان به آیات الهی

مخاطب آیه ی فوق، پیامبر اکرم ﷺ است و متقین هم کسانی هستند که به آنچه بر آن حضرت نازل شده است؛ ایمان داشته باشند. مراد از «مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ» قرآن و سنت است، زیرا او (یعنی پیامبر ﷺ) از روی هوای نفس سخن نمی گوید، جز آنچه بر او وحی می شود. لذا قرآن کریم می فرماید: «مَا أَنْزَلْنَا الرِّسُولَ فُحْدُوهُ وَمَا نَهَاكُم عَنْهُ فَأَتْتَهُمْ وَأَتَقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ؛ آنچه را رسول خدا برای شما آورده، بگیریید (و اجرا کنید)، و از آنچه نهی کرده، خودداری نمایید و از (مخالفت) خدا بپرهیزید که خداوند کیفرش شدید است» (حشر/ ۷)

۶- یقین به روز قیامت

این فراز از آیه ی شریفه، اشاره به این دارد که پرهیزکاران به روز قیامت و رستاخیز، ایمان دارند، بلکه بالاتر از آن، نسبت به آن روز، یقین دارند که روزی فرا می رسد و انسان ها در پیشگاه الهی حاضر می شوند و شاهد نتایج عملکرد خود خواهند بود. «وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» (ر.ک: مغنیه، ۱۳۸۳ ش، ج ۱: ۱۳۷) بنابر این، آیه مورد بحث، به موارد ذیل اشاره دارد:

ایمان به خدا	الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ
ارتباط با خدا بوسیله نماز	الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ
ارتباط با انسانها	وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ
ایمان به تمام پیامبران	وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ وَمَا
ایمان به رستاخیز	أَنْزَلَ مِنْ قَبْلِكَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

ب- صفات متقین از نظر اخلاق و عمل

خداوند کریم در قرآن مجید، صفاتی که باز گو کننده اعمال و اخلاق پرهیزکاران است، را ذکر نموده است. آن جا که می فرماید:

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ؛ آنان که در توانگری و تنگدستی، انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از خطای مردم در می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد و آن ها که وقتی مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می افتند و برای گناهان خود، طلب آمرزش می کنند» (آل عمران/ ۱۳۴ و ۱۳۵)

در آیه مذکور، پنج صفت عالی پرهیزکاران ذکر شده است که عبارتند از:

- ۱- آنها در همه حال انفاق می کنند
- ۲- آنها بر خشم خود مسلط اند
- ۳- آنها از خطای مردم در می گذرند
- ۴- آنها نیکو کار اند
- ۵- وقتی مرتکب عمل زشتی می شوند از خدا آمرزش می طلبند

از آیه ی فوق استفاده می شود، تا زمانی که انسان به یاد خدا باشد؛ مرتکب گناه نمی شود. اما گاهی انسان گرفتار غفلت می شود و از یاد خدا باز می ماند. ولی این فراموش کاری و غفلت در افراد پرهیزکار، دوامی ندارد، یعنی اگر آن ها مرتکب خطا و لغزشی شدند؛ به زودی به یاد خدا می افتند و گذشته خود را جبران می کنند و از خداوند طلب مغفرت و آمرزش می کنند.

بخش چهارم: پاداش اخروی متقین

خداوند پرهیز کاران را در آخرت، به خاطر اعمال نیکشان، پاداش می دهد که در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- قبولی اعمال

خداوند می فرماید: « وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتَقَبَّلَ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ » (مائده / ۲۷)

خداوند کریم در این آیه داستان فرزندان آدم را ذکر می کند که هر یک از فرزندانش عملی را برای خدا انجام دادند، اما عمل یکی از آن ها مقبول درگاه الهی شد و فعل دیگری در درگاه الهی پذیرفته نشد. در این میان، عمل کسی که پذیرفته نشد که به خاطر عظمت و بزرگی برادرش، حسادت وی را در دل خود جایی داد و برادرش را تهدید کرد که تو را خواهم کشت. ولی برادر دیگری او را نصیحت کرد که این کار به دست من نبوده و اشکال از طرف خود تو است. زیرا عمل تو مقارن با تقوا نبود، و خداوند تنها اعمال متقین را قبول می کند. (ر.ک: کریمی، بی تا: ۸۳ و ۹۰)

پس ما انسان ها، اگر بخواهیم اعمال و افعالمان، در پیشگاه خداوند، پذیرفته شود و مقبول درگاه الهی قرار گیرد؛ باید تقوا پیشه کنیم. زیرا خداوند، اعمال غیر متقین را نمی پذیرد.

۲- نجات از آتش جهنم

پاداش دیگری که خداوند متعال برای پرهیز کاران ذکر نموده است، نجات از آتش جهنم است. قرآن کریم در سوره دخان این گونه می فرماید که: «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ كَذَلِكَ وَ

زَوَّجْنَهُمْ بُحُورٍ عَيْنٍ يَدْغُونَ فِيهَا بِكُلِّ فِكْهَةٍ ءَامِنِينَ لَا يَدْخُلُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاتُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ؛ (ولی) پرهیزگاران در جایگاه امنی قرار دارند، در میان باغ ها و چشمه ها، آن ها لباس های از حریر نازک و ضخیم می پوشند و در مقابل یکدیگر می نشینند، این چنین اند بهشتیان و آن ها را با «حور العین» تزویج می کنیم! آن ها در آن جا هر نوع میوه ای را بخواهند، در اختیارشان قرار می گیرد و در نهایت امنیت به سر می برند. هرگز مرگی، جز همان مرگ اول (که در دنیا چشیده اند) نخواهند چشید، و خداوند آن ها را از عذاب دوزخ حفظ می کند» ((دخان / ۵۱ و ۵۲)

و در سوره اعراف نیز می فرماید: «فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی که پرهیزگاری پیشه کنند و عمل صالح انجام دهند (و در اصلاح خویش و دیگران بکوشند) نه ترسی بر آن هاست و نه غمگین می شوند.» (اعراف / ۳۵)

۳- آخرت از آن متقین است

منزلت و جایگاه پرهیزکاران، آن قدر رفیع است که به تعبیر قرآن از جهان آخرت، به خیر یاد شده است. از این تعبیر بدست می آید که خداوند کریم در سرای آخرت، مقامات و درجات عالی به متقین عطا می کند، در سوره نحل می خوانیم: «وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ قَالَُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَكَذَلِكَ الْأَخِرَةُ خَيْرٌ وَلِنَعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ؛ یعنی چون به اهل تقوی گفته شود که خدا چه آیاتی فرستاد؟ گویند: نیکو آیاتی فرستاد. آنان که نیکو کارند در حیات دنیا نیکوی و خوشی ببینند و هم در آخرت آن ها را بهترین منزل است و البته خانه اهل تقوی مجلل و نیکو خواهد بود» (نحل / ۳۰)

پس کسانی که می خواهند در آخرت مقام عالی و تقرب الهی را به دست آورند؛ باید تقوی الهی را پیشه کنند و از آن چه خدا نهی کرده، دوری کنند و به آن چه حکم کرده، انجام دهند، چون بدون تقوی به چنین خواسته های نمی توان دست یافت.

۴- بهشت برای پرهیزکاران است

یکی دیگر از پاداش های که خدای سبحان، برای متقیان ذکر نموده است، بهشت است، که قرآن مجید از آن چنین یاد کرده است: «وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ؛ (در آن روز) بهشت به پرهیزگاران نزدیک می شود، و فاصله ای از آن ندارند» (ق / ۳۱)

«أُزْلِفَتِ» از ماده «زلفی» به معنای قریب و نزدیک است، جالب این است

که خدای سبحان نمی گوید پرهیزکاران را به بهشت نزدیک می کند بلکه می گوید بهشت را به آن ها نزدیک می کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ش: در تفسیر آیه مذکور)

در آیات دیگری نیز به بیان مقام و منزلت پرهیزکاران پرداخته شده است « وَ سَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَ جَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ؛ و شتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگارتان و بهشتی که وسعت آن، آسمان ها و زمین است و برای پرهیزگاران آماده شده است» (آل عمران/ ۱۳۳).

۵- جاودانگی در بهشت

بهشتی که خداوند مهربان برای پرهیزکاران وعده داده است، همیشگی است و آن ها هرگز از آن بیرون نخواهند رفت. خداوند متعال در قرآن کریم، این گونه از آن یاد کرده است: « وَ سَيَقُ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَ فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ؛ و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند، گروه، گروه به سوی بهشت برده می شوند. هنگامی که به آن می رسند؛ درهای بهشت گشوده می شود و نگهبانان به آنان می گویند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید» (زمر/ ۷۱)

این ها نعمت های هستند که خداوند برای پرهیزکاران بیان کرده است، وسیله ای که باعث می شود انسان از این از این نعمت های الهی محروم نشود؛ آن تقوای الهی است. که با انجام واجبات و ترک محرمات حاصل می گردد.

نتیجه

اگر بخواهیم از نعمت های که خداوند متعال در قرآن کریم برای انسان های نیک و صالح ذکر نموده است، محروم نشویم و نیز در دنیا و آخرت به جایگاه و مقام عالی برسیم و فلاح و بهبودی را به دست بیاوریم، موظف به حفظ خود، خانواده و جامعه از بدی ها و زشتی ها هستیم و این حفظ و نگهداری خویشتن و جامعه، جز با ایمانی به خدا و روز رستاخیز، ممکن نیست. زیرا وقتی انسان خدا را ناظر بر اعمال خود بداند و به قبر و عذاب الهی یقین داشته باشد؛ دیگر هیچ گاه به خود اجازه ارتکاب منکرات و بدی ها را نمی دهد. لذا جامعه و افراد آن، به سمت تعالی و معنویت حرکت می کند و مورد رضایت خداوند در دنیا و آخرت قرار می گیرد.

منابع

- مغنیه، محمد جواد، (۱۳۸۸ش) تفسیر کاشف، قم، بوستان کتاب، اول.
- نادر علی، عادل، (۱۳۹۲ش) تفسیر مطلع الانوار، جوانان موفق، چاپ اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۴ش) تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۶ش) پیام امام امیرالمؤمنین، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول.
- لاهیچی، زین العابدین، (۱۳۸۸ش) دین باوران راستین، نشر سایه با همکاری سآر، اول.
- دشتی، محمد، (۱۳۷۷ش) موضوعات مسابقات نهج البلاغه، موسسه فرهنگی امیرالمؤمنین، اول.
- سید رضی، (۱۳۸۶ش) نهج البلاغه، مترجم: محمد دشتی، دارالفکر، اول.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۷ش) مفردات الفاظ قرآن، ترجمه و تحقیق: دکتر سید رضا، جم، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، اول.